

پیرمغان حکایت معقول می کند، معذورم ار محال تو باور نمی کنم - قسمت ۲۵

پیر مغان حکایت معقول می کند

معذورم ار محال تو باور نمی کنم

در مباحث پیشین یادآور شدیم که یاران پیرمغان در کنار آتش در حضور استاد، از زبان **"پیرمغان"** راهکار نهایی برای به پایان رساندن آخرین مرحله نبرد جهت فروپاشی دستگاه حاکمه ضحاک ماردوش را فرا گرفتند. برای انجام این مسئولیت خطیر برخاستند و جلسه را به پایان رساندند و به کارها و مسئولیتهای خود پرداختند هرکدام از یکسو. گفته شد در جمع اصحاب پیرمغان، فریدون و کاوه آهنگر و یاران دیگر نیز حضور داشتند که اینان **"جماعت عیاران"** بشمار می رفتند. گفته شد که **"پیرمغان"** در حقیقت **"مهندسی خاصی"** را تدارک دیده بود و نقشه سلاح خاصی را طراحی کرده بود که **"آن سلاح باید توسط فریدون بکار گرفته میشد"** و **"توسط کاوه آهنگر ساخته میشد"**.



همچنین در مباحث پیشین بیان شد که **سلاح طراحی شده توسط پیرمغان سلاحی عادی نبود**، وسیله ای مانند چوب یا چماق یا شمشیر یا تبر یا وسایل مختلفی از این قبیل نبود (سلاح سرد و گرم) بلکه **اسلحه ای خاص با کاربردی بسیار ویژه** بود. اهمیت سلاحی که پیرمغان با مهندسی خاصی آن را طراحی کرده بود و در اختیار کاوه قرار داده بود و کاربرد آن را به فریدون فرآموخته بود همان چیزی است که به **"گرز گاوسر"** تشبیه میشود که دارای دو شاخ نعلی شکل است و میدان بسیار نیرومند مغناطیسی ای ایجاد می کند که سبب خلع سلاح دشمن می گردد.



پیرمغان علاوه بر طراحی هندسه سلاح کاربردی علیه دشمن به دو نکته بسیار مهم اشاره نمود:

اول - در مبارزه با دشمن نه فقط باید دشمن را خلع سلاح نمود؛ **دوم -** که باید فرد مسلح را دچار فضای خاصی ساخت که در آن فضا فرد (کارکرد اسلحه دست خود را تغییر دهد) قادر نباشد که اسلحه را به سمت مردم نشانه برد. بدین معنی که هم سلاح موجود در دست دشمن فاقد کارکرد شود (خلع سلاح) و هم جهت کاربرد آن تغییر یابد. حکومت ضحاک همانگونه که پیش از این اشاره شد دارای پایه ها و ارکان متفاوتی است؛ مهمترین پایه حکومت ضحاک بهره برداری از نیروی تاریک، سیاه و کدر "**جادوی تباه کننده**" است و بدین منظور ضحاک اشخاصی را به خدمت می گمارد که آن اشخاص با دستهای مرموز و پنهان خود بذرتنه هایی را در جامعه می فشانند و ترویج می سازند. رکن "**جادوگران تباهی و سیاهی**" حکومت ضحاک نسبت به سایر ارکان از اهمیتی خاص برخوردار است به این دلیل که بخش اعظم اداره حکومت ضحاک به عهده این اشخاص است.

در جلسه نهایی تصمیم گیری در جمع عیاران و یزدان پرستان (خدمتگزاران به آتش) پیرمغان در خصوص آخرین گام مبارزه جهت رویارویی و مقابله با نیروهای اهریمنی، سیاهی و تباهی که از قانون خاصی پیروی می کنند و انرژی های موجود در طبیعت را در کانالهای بسیار تاریک و سیاه و تباه به گردش در میاورند، به بیان نکاتی پرداخت؛ **پیرمغان گفت:** روش مبارزه با نیروهای اهریمنی متدی نیست که به مغبچگان آموزش داده شود بلکه در این مرحله پیرمغان خود به مبارزه با نیروهای اهریمنی می پردازد. در اینجا بود که پیرمغان خطاب به مغبچگان از هر یک خواست تا به ادامه مسئولیتهای محوله خود مشغول شوند و کاوه را مسئول انتشار فراخوان در سطح شهر ساخت تا علیه ستم ضحاک در سطح شهر فریاد بزنند و برای این منظور لازم بود تا علمی برافراشته شود (علم درفش کاویانی: بیرقی که کاوه به دستور پیرمغان بالا برد). کاوه مسئول انتشار فراخوانی بود که به دستور پیرمغان باید در سطح شهر و در کوی و برزن منتشر میساخت؛ کاوه مردم را دعوت به قیام علیه پوسته خالی باقیمانده از حکومت ضحاک می ساخت و فریادون به همراه سایر عیاران موظف بود تا دستوراتی را که در آن مقطع لازم بود به انجام برساند.



ضحاک در چنین شرایطی وقتی دریافت که تمام ابزار و سلاحهای سرکوب و ارباب از دست سپاهیانش اسقاط گردیده بیش از پیش به فکر استفاده از ابزار "جادوی سیاه" (تکیه بر نیروهای اهریمنی و تباهی) برآمد. پیرمغان بر اساس وعده ای که (به جوانمردان) کرده بود شخصاً به مبارزه با نیروهای اهریمنی ضحاک پرداخت.

ادامه دارد ...

حاشیه : نوع کاربرد ریتمهای نهایی این مبحث و مبحث ۱۰ از اهمیت ویژه ای برخوردار است (اسرار کارکرد ریتمها)